

معرفی کتاب اندیشه‌های فقهی در عرصه هنر

عبداله میرزایی

دانشجوی دوره دکتری هنر اسلامی و عضو هیات علمی دانشکده فرش دانشگاه هنر اسلامی تبریز

چکیده

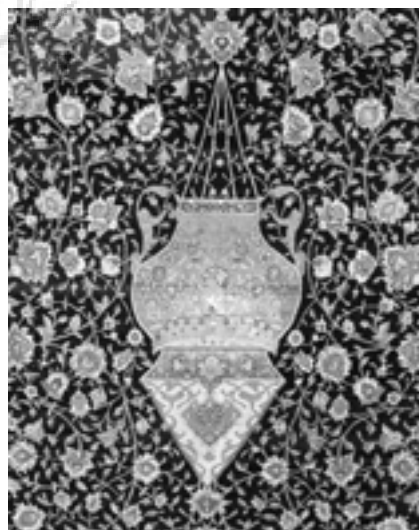
اسلام در آغاز در قالب ص در صد هنری ارائه شد. در زمانی که شاعران و سخنوران قوی و توانا فراوان بودند، قرآن در بلندترین، عالی‌ترین و کامل‌ترین شکل بیان هنری بر محمد(ص) فرود آمد. قرآن از لحاظ زبان هنری، سرمایه‌ای بی‌نظیر و استثنایی است و یکی از وجوه اعجاز و ماندگاری قرآن، همین قالب هنری آن است. با گذشت زمان هنر به سبب قدرت نفوذ و جاذبه، همواره مورد استفاده ناروای اربابان قدرت قرار می‌گرفته است. این پیشینه بد سبب شده تا نظریات فراوانی در باب محدودیت در انواع هنر از سوی مراجع دینی صادر شود. در این مقاله با توجه به نیاز جامعه امروز به انواع شاخه‌های هنری متناسب با فرهنگ و آئین حاکم بر جامعه اسلامی ایران، به تبیین نظریات فقهی عالمان دینی در باب غنا و موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی، عکاسی، سینما و بازیگری پرداخته شده است.

مقدمه

با توسعه شاخه‌های متعدد هنری و گرایش علاقه‌مندان جوان به هر کدام از حوزه‌های هنر در سال‌های اخیر، مسأله چگونگی مواجهه با این هنرها در جامعه اسلامی ایران از موضوعات مورد بحث در محیط‌های هنری و حوزوی است. اندیشمندان دینی، تلاش‌های بسیاری در جهت ابهام زدایی در کیفیت مواجهه با آثار هنری و هنرمندان نموده‌اند. تنوع آراء صادر شده در این باب نیز خود از نیاز جامعه هنری و مخاطبان هنر به شناخت طریق صحیح برخورد با انواع هنر حکایت می‌کنند.



خشکنایی، سیدرضا (۱۳۷۸)، ادب و عرفان در قالی ایران، تهران: انتشارات سروش، صفحه ۳۲.



منبع تصویر: ملول، غلامعلی (۱۳۸۴)، بهارستان، تهران: زرین و سیمین، فرش شماره ۸.



کتاب «اندیشه‌های فقهی در عرصه هنر» سعی در جمع‌آوری و ارائه نظریات فقهی فقیهان اسلامی-شیعی در خصوص انواع هنرهای رایج در جامعه ایران نموده است.

در این نوشتار سعی شده با معرفی کتاب یاد شده، به بررسی نظریات فقهی صادر شده در باب انواع شاخص هنرهای رایج در ایران اسلامی پرداخته شود.

بروز و عرضه موضوعات نوین و نوظهور در عرصه فناوری، پزشکی، اقتصادی، اجتماعی و همانند آن، تلاشی وافر و پردازشی و اجتهاد عمیق‌تری را در متون فقهی می‌طلبید. موضوعات و پدیده‌های هنری از این قاعده مستثنا نبوده و با توجه به نیاز مبرم جامعه بشری به جلوه‌های گوناگون هنری، مجال چشم‌پوشی و غفلت وجود نداشته و ندارد. لذا بایسته است حاکمان دینی و فقیهان حاکم، با پویایی در این عرصه، نظرها و آرای کارآمد و متناسب با نیاز روز جامعه ارائه نمایند.

هنر تجلی احساس انسان است در قالب محسوس، زبان درون است و با مخاطبان اهل دل، حقیقت را می‌نمایاند. بی‌آنکه به وعظ و استدلال بپردازد. فناوری و تمدن به هنر توانایی می‌بخشد و آن را فراتر از مرزهای جغرافیایی به سراسر جهان انتقال می‌دهد. امروزه ده‌ها و بلکه صدها پرسش در موضوع هنر و عرصه‌های مختلف هنری وجود دارد. فقه‌های ما در گذشته، با وجودی که هنر به گستردگی امروزه را شاهد نبوده‌اند، به میزان مورد نیاز پاسخگو بوده‌اند و مطالب ارزشمندی را در زمینه‌های مختلف هنری عرضه کرده‌اند. بی‌تردید آرای این فقیهان، دیگر پاسخگوی مسائل هنری امروزی نیست. برخی از گونه‌های هنر، جدید و نوظهورند (بازیگری، سینما و...) و برخی دیگر در بستر زمان دچار تغییر و دگرگونی‌های بسیار شده‌اند (مجسمه‌سازی)، این هر دو ضرورت نگرش دقیق‌تر به هنر را آشکار می‌سازند.

هنر، در فقه جایگاه مستقلی ندارد، ما در فقه موضوعی به عنوان هنر که به مسایل و فرع‌های متفرقه آن پرداخته شود، نداریم. همین امر باعث بروز اختلاف نظرها و تقابل‌های نظریات گوناگون در رفتار مقلدان شده است. اما جامعه امروز نیاز دارد تا دیدگاه‌ها و راه کارهای مبتنی بر فقه سنتی و اجتهادی، ارائه شود تا وحدت نسبی در عملکردها نسبت به رویکردهای هنری پیش آید.

به طور خلاصه می‌توان گفت عواملی همچون ۱- نبود پیشینه درست در کاربرد هنر مجسمه‌سازی، سینما، تئاتر و... ۲- ابهام در برخی مفاهیم، مانند: غنا، ۳- دغدغه فروافتادن در گناه به علت جو حاکم بر هنر و روابط هنرمندان، باعث می‌شود تا لزوم درک جایگاه هنر و نقش آن در زندگی انسان‌ها آشکار و این مفاهیم در قالب موضوعی مستقل منتشر شود.

غنا و موسیقی

امروزه شایع‌ترین شاخه هنر، موسیقی است، به‌ویژه با نقش آفرینی برجسته و جایگاه خاصی که رسانه‌های صوتی و تصویری در جهان ارتباطات دارند، کمتر کسی می‌تواند خود را از این دو رسانه بی‌نیاز ببیند. صوت خوش با طبع آدمی آمیخته است و لذتی وصف‌ناپذیر در پی دارد. عالی‌ترین شکل موسیقی در اسلام، تلاوت قرآن است که همواره مورد ستایش پیشوایان دینی از جمله پیامبر اعظم قرار گرفته است. سفارش به خواندن اذان با صدای خوش، مدح اهل بیت (ع) و مرثیه‌خوانی‌ها با الحانی خوش و محزون، گواه صادقی است که اسلام هنر موسیقی را به‌طور کلی تأیید نموده است.

فقیهان درباره غنا تعریف‌های مختلفی ارائه کرده‌اند که نشانگر اختلاف نظرهای بسیاری در این زمینه است. گروهی از فقیهان برجسته شیعی، تشخیص معنای آن را به عرف گذاشته‌اند. بدین معنا که هرچه را که عرف غنا بدانند حرام است، هرچند طرب‌آور نباشد.

برخی حکم فقهی آن را تنها بر اساس معنای لغوی و برخی با توجه به مصداق‌های عرفی زمانه خود صادر کرده‌اند. نکته اشتراک همه نظرات حرام بودن غنا و حرمت ذاتی آن است.

با بررسی نظرات و اقوال مختلف مراجع و مفسران در باب کیفیت غنا این نکته آشکار می‌شود که بین فقها در لحاظ کردن قید اطراب بلکه ترجیح در مفهوم غنا اختلاف است و این اختلاف از نوع اختلاف معنوی است و نه لفظی محض. چکیده نظریات در مورد غنا و کیفیت آن می‌رساند که، مقصود از غنا، صوتی لهنوی است که مناسب مجالس لهنو و لعب و رقص باشد. این تعریف بدان جهت است که قسمی خاص از صوت زیبا با چنین مجالسی مناسب است که سایر وسایل همچون رقص، و... با آن همراه است. همچنین باید توجه داشت میان فقه‌های بزرگ اختلافی بر سر حرام بودن خرید، فروش، اجاره و هر نوع معامله بر روی کلیه ادواتی که کاربرد حرام دارند و برای مقاصد حرام ساخته شده‌اند وجود ندارد، لذا هر گونه درآمد به واسطه آن‌ها نیز حرام می‌باشد.

در انتهای این بخش باید یادآور شد که، موسیقی رایج در جامعه کنونی ایران اعم از رسانه‌ای و غیررسانه‌ای را می‌توان به پنج بخش موسیقی اصیل، محلی، آیینی، التقاطی و وارداتی یا خارجی تقسیم کرد.

نقاشی، مجسمه‌سازی و عکاسی

تاریخ پیدایش مجسمه‌سازی و نقاشی تقریباً مقارن با تاریخ پیدایش بشر است. اما این هنر به دلیل پیشینه نادرست آن و استفاده از آن در بتکده‌ها، از سوی فقیهان مورد بی‌مهری قرار گرفته است.

قرآن کریم در ضمن بیان سرنوشت اقوام و ملل و سنت‌های رایج آن‌ها، به تمثال‌ها و تندیس‌های آن‌ها پرداخته و انگیزه اصلی آنان را از پیکرتراشی، بت‌پرستی دانسته است. به عبارتی دیگر این ذوق و قریحه هنری که از فطرت زیباجویی انسان سرچشمه گرفته، همواره مورد بهره‌برداری‌های نادرست نیز قرار گرفته است.

کامل و جزء به جزء اثر نقاشی شده به موجود واقعی نماید. که البته این نظریه مورد ایراد فراوان واقع شده است.

امام خمینی (ره) با بیان تشدد آرا در این زمینه عنوان می‌دارد که عنوان‌هایی چون نقاشی، صورت و تمثال به تمام موجودات مادی بلکه غیرمادی و نیز اجزا و اعضای تمام موجودات نیز صادق است. بنابراین الفاظی چون مجسمه سر و نقاشی پا، دست، درخت، ساقه و برگ درخت و مواردی از این دست صادق است. بنابراین، اگر از عموم و اطلاق ادله، همه یا بعضی را خارج کنیم و تنها چیزی که تحت این ادله باقی گذاریم تصاویر کامل حیوان باشد، این تخصیص اکثر و قبیح خواهد بود. استلزام تخصیص اکثر، خود نشانگر آن است که این ادله عام و مطلق از روز نخست و زمان صدور همراه قرآینی بوده است که دارای چنان عمومیت و اطلاق نبوده است. از این رو، آنچه به نظر متقن می‌رسد این است که تنها ساخت مجسمه حرام است، همان که بر آن ادعای اجماع شده است. حال اگر کسی مدعی باشد که ادله حرمت مجسمه‌سازی به مجسمه کامل اعضا انصراف دارد یا تنها به مجسمه حیوانات ناظر است از نظر ما مردود است... لیکن انصاف این است که این وجه مورد مناقشه است.

در مورد عکاسی که در ادامه بحث ساختن مجسمه و نقاشی مطرح می‌شود نظر فقها بر بلامانع بودن عکاسی و خرید و فروش آلات و ابزار آن دلالت دارد. به شرط آنکه برای گرفتن عکس فرد عکاس مجبور به انجام فعل حرام، مانند دست زدن به بدن نامحرم نباشد.

سینما و بازیگری

انسان فطرتاً شیفته هنر است و از دیدن کارهای هنری لذت می‌برد. در بین شاخه‌های هنر، هنرهای نمایشی تأثیر ویژه‌ای دارند. بیان فیلم و هنرهای نمایشی بیان بسیار رسایی است که در رساندن پیام، از بقیه مقوله‌های هنر بلیغ‌تر و جذاب‌تر است. هنر نمایش، ظرفیت بالایی در بیان حقایق دینی و بشری دارد که باید منادیان دین آن را در کار تبلیغ و هدایت به سوی ارزش‌ها ارج نهند. وانهادن پدیده‌های نوین نمایش که آمیزه‌ای از فناوری، ذوق و احساس است، ناهنجاری‌های فرهنگی جبران‌ناپذیری را در پی دارد. نمایش و بازیگری در شکل تعزیه‌خوانی هر چند سابقه‌ای به قدمت شعر و تلاوت قرآن ندارد، هرگاه با توافق فقیهان روبرو گشته، زمینه‌ای عامیانه برای احیای عاشورا شده است. هنر بازیگری در صورتی که حافظ ارزش‌های اسلامی و عفت و پاکدامنی بوده و با معیارهای اخلاقی و عرفی جامعه تناقضی نداشته باشد، مورد تأیید اسلام است.

این هنر در شکل جدید آن، در دوران غربت اسلام وارد کشور ما شد و به ابزاری در خدمت مخالفان شکل‌گیری ارزش‌های اسلامی مبدل گردید. پس از انقلاب اسلامی، این هنر از بند اسارت رهایی یافت و در خدمت ارزش‌های اسلامی قرار گرفت.

در هنرهای نمایشی چهار عنصر موضوع، پیام، چارچوب و هنرمند نقش دارند که مکتبی بودن هنر ایجاب می‌کند این عناصر با موازین شرع و معیارهای اسلامی سازگار باشند. هنرمندان مکتبی در مورد هر یک از عناصر چهارگانه یاد شده سؤالاتی دارند که بخشی از آن‌ها مربوط به فقها می‌شود که باید پاسخ لازم داده شود. آنچه پیش رو بدان پرداخته می‌شود تلاشی است در این راستا که امید است با پیدایش پرسش‌های جدیدتر، دامنه پاسخ‌ها نیز گسترده‌تر شوند.

از جمله سؤالات رایج مربوط به زنان و مردان بازیگر، حکم فقها در مورد همانند شدن بازیگران به جنس مخالف از طریق پوشیدن لباس همدیگر و تقلید صدا و مانند آن و کیفیت رابطه بازیگران با جنس مخالف می‌باشد. بررسی آرای فقها در این زمینه نشان می‌دهد که در هنر نمایش اگر بازیگری زن در نقش مرد و بالعکس ایفای نقش نماید، در

روایات وارده در باب مجسمه‌سازی و حرمت تصویر به دو دسته قابل تقسیم هستند. دسته اول آن را مطلقاً حرام می‌دانند (چه مجسمه و چه غیرمجسمه و چه از جاندار چه غیر از آن)، دسته دوم فقط ساختن مجسمه از موجودات جاندار را نهی می‌کنند.

گفته شده در جمع بین دو دسته احادیث یاد شده، بهتر است به حرام بودن مجسمه موجودات جاندار اکتفا کنیم به دلیل اینکه اخبار مقابل آن‌ها ضعیفند.

بررسی آرای فقیهان نشان می‌دهد که تصویرگری یا مجسمه‌سازی از چیزهای فاقد روح مانند درخت بدون اشکال جایز است. اما در فتوای فقها و نیز نقل روایات در حرمت مجسمه‌سازی اختلافی وجود ندارد. برای اثبات حرمت مجسمه‌سازی به سه دسته روایت به شرح زیر می‌توان استناد کرد:

الف: روایاتی که دلالت دارند روز قیامت به مجسمه ساز تکلیف می‌شود که باید در نقاشی خود روح بدمد.

ب: روایاتی که از مجسمه‌سازی و نقاشی نهی می‌کنند.

ج: روایاتی که بیانگر آنند که امامان (ع) نقاشی را ناخوش دانسته‌اند.

با اینکه روایات دسته سوم حرمت ساختن مجسمه را اثبات نمی‌کنند اما دو دسته نخست برای اثبات حرمت ساختن مجسمه موجودات دارای روح کفایت می‌کنند.

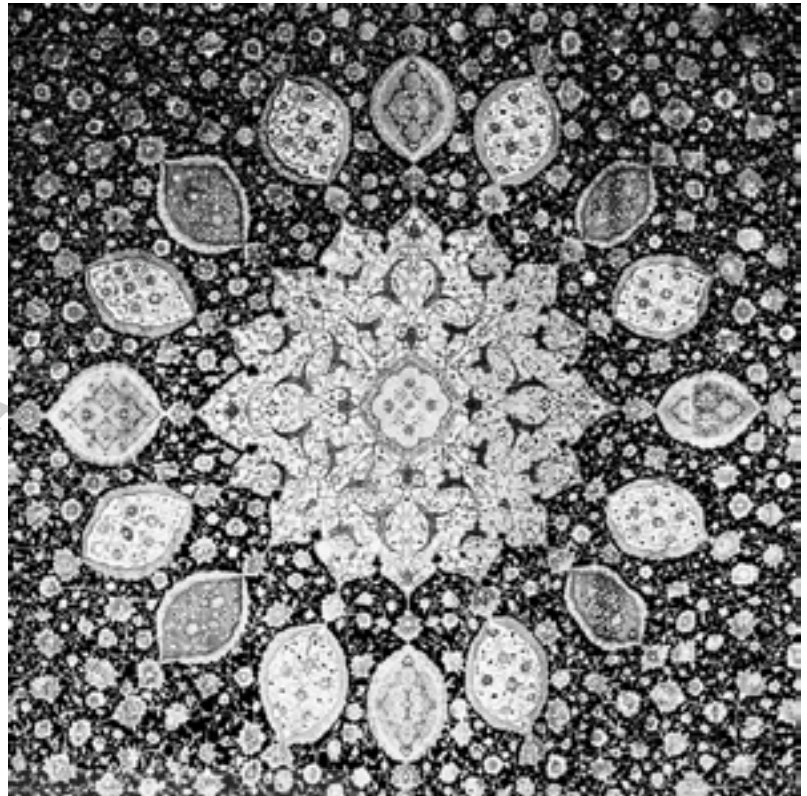
نتایج مباحث این بخش نشان می‌دهد که بلااشکال ساختن مجسمه موجودات ذی روح حرام و ساختن مجسمه موجودات فاقد روح حلال می‌باشد.

حرمت یا مجاز دانستن نقاشی موجودات دارای روح در نظر فقها محل مناقشه است. بررسی آرای فقهی نشان می‌دهد که برخی از فقها به علت ناتوانی نقاش در دمیدن روح به جانور نقاشی شده حکم به حرمت آن داده‌اند و برخی دیگر این کار را در صورتی مجاز می‌دانند که نقاش در تصویر کردن موجود دارای روح با اغراق در صورتگری آن مانند نقص در کشیدن اجزایی از بدن حیوان و یا حذف بخشی از بدن آن سعی در زدودن تشابه





منبع تصویر: خشکنایی، سیدرضا (۱۳۷۸). ادب و عرفان در قالی ایران، تهران: انتشارات سروش، صفحه ۱۹.



منبع تصویر: ملول، غلامعلی (۱۳۸۴)، بهارستان، تهران: زرین و سیمین، فرش شماره ۸.



منبع تصویر: صور اسرافیل، شیروین (۱۳۶۶)، قالی ایران، تهران: انتشارات یساولی، صفحه ۱۱۵.

صورتی که به ارزش‌ها لطمه وارد نسازد و فساد برانگیز نباشد و هدف آن بالا بردن ارزش‌ها و توسعه مبانی اسلام باشد، نه تنها منعی نخواهد داشت، که اسلام، تشویق‌کننده به انجام این‌گونه کارها است. به عبارتی اگر این کار (ایفای نقش جنس مخالف با پوشیدن لباس و تقلید نقش وی و گفتگوی زن و مرد در نمایش) با اهداف خردمندانه مانند سوگواری سیدالشهدا (ع) و اهل بیت باشد بلاشکال است.

نتیجه‌گیری

هنر از آن دست مقوله‌هایی است که امروزه با توسعه جوامع بشری و مدرنیزه شدن کشورها و ورود تکنولوژی‌های جدید ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است. با این تغییرات هر روز پرسش‌های جدیدتری در مورد ابعاد تازه و مختلف هنرها مطرح می‌شود که فقیهان جامعه دینی باید پاسخگوی آن‌ها باشند. فقهای دینی جامعه اسلامی ایران در گذشته با اینکه حضور هنر گستردگی امروزی را نداشت، به میزان مورد نیاز پاسخگو بوده‌اند و مطالب ارزشمندی در باب ساخت و خرید و فروش مجسمه، کشیدن نقاشی، نواختن موسیقی و... برای ما به یادگار گذاشته‌اند. این موارد دست‌مایه خوبی برای پژوهش و استخراج مبانی فقهی در مورد تدوین آرای مورد نیاز در خصوص پرسش‌های جدید را فراهم ساخته است.

باید توجه داشت مطالب یاد شده با همه جوانب خود امروزه پاسخگوی خیل عظیم سؤالات و مسایل هنری نیستند و بازنگری جدی در باب هنر و شاخه‌های رایج آن در جامعه اسلامی به خوبی احساس می‌شود. تشدد آرای صادره در کتاب مورد بحث و تناقض‌های موجود در برخی نظرات، احتمال استنباط نادرست احکام از سوی افراد ناآشنا به مباحث فقهی را شدت می‌بخشد که خود لزوم تدوین به سامان و ارائه سلیس مطالب را آشکارتر می‌سازد. ■

